

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همانطور که به عرض رسید صاحب عروة در مسئله ۱۲ چند فرع را ذکر کرده است، فرع اول این بود که آخر وقت نیت در روزه واجب معین اول طلوع فجر می باشد و اگر کسی عالماً و عامداً تخلفی نسبت به نیت مرتکب شود روزه اش باطل می شود. فرع دوم این بود که اگر کسی جاهلاً و نسیاناً در روزه واجب معین نیت صوم نکند اگر مفطری مرتکب نشده باشد تا قبل از ظهر می تواند نیت صوم کند و روزه اش صحیح است و مجزی می باشد. عرض کردیم که در این مسئله از زمان شیخ طوسی به این طرف تمامی فقهاء مانند صاحب عروة قائل به صحت روزه ناسی و جاهل و غافل بوده اند و تنها کسی که مخالف این مطلب است آیت الله العظمی آقای خوئی اعلی الله مقامه می باشد، ایشان در جلد اول کتاب الصوم مستند العروة ادله کسانی را که قائل به صحت صوم در مانحن فیه بوده اند را ذکر کرده و بعد در ادله آنها خدشه کرده است، فلذا ایشان هم در حاشیه عروة و هم در مستند العروة که شرح عروة می باشد فرموده اند که روزه جاهل و ناسی صحیح نیست و مجزی نیست. مناقشاتی که ایشان در ادله مشهور داشتند به عرض رسید، بعضی از آنها مبنایی می باشد مثل همان خبر اعرابی که ذکر شد، فقهای ما درباره این خبر قائلند به این که درست است که خبر مرسل و عامی است ولی چون تمامی فقهای شیعه از شیخ طوسی و علامه و محقق گرفته تا به حالا به آن عمل کرده اند و طبق آن فتوی داده اند فلذا این عمل فقهاء و استناد آنها ضعف خبر را جبران می کند ولی آقای خوئی طبق مبنای خودش این خبر را قبول ندارد، یعنی عمل فقهاء را جابر ضعف خبر نمی داند و همچنین اعراض فقهاء از یک خبر صحیح را موجب عدم حجیت و عدم اطمینان به آن خبر نمی داند بلکه ایشان فقط سند را میزان می داند فلذا اگر سند صحیح شد عمل می کند و اگر سند ضعیف شد ولو اینکه فقهاء به آن عمل کرده باشند به آن خبر ضعیف عمل نمی کند، بنابراین نزاع ایشان در اینجا نزاع مبنایی می باشد و طبق مبنای خودشان این روایت اعرابی را حجت نمی دانند و به آن عمل نمی کنند.

درباره حدیث رفع هم ایشان فرمودند که صحت عمل را درست نمی کند بلکه فقط رفع مؤاخذه می کند که این بحث هم باز مبنایی می باشد. اما دلیل اول قائلین به صحت را هم ایشان قبول نکردند، آن دلیل این بود که وقتی مسافر و مریض که از ابتدا مکلف نبودند و امر نداشتند می

توانستند تا قبل از ظهر نیت کنند و روزه آنها صحیح بود به طریق اولی جاهل و ناسی که از ابتدا مکلف بوده اند و امر هم داشته اند اگر تا قبل از ظهر نیت کنند روزه آنها صحیح خواهد بود.

خدشه آقای خوئی بر این دلیل این بود که این فتوی با اجزاء سازگار نیست چون که مسافر و مریض مأمور نبودند و امر نداشتند تا وقتی که مریض خوب شد و مسافر هم به وطنش رسید که از این به بعد تازه مسافر و مریض مکلف شده اند و امر به آنها تعلق گرفته است، اما جاهل و ناسی از ابتداء طلوع فجر امر به روزه داشته اند ولی آن امر برای آنها منجز نبوده فلذا ایتیان به آن امر از ابتدا نکرده اند، چرا که شارع مقدس برای صوم زمان مشخص کرده است و فرموده است که از طلوع فجر تا غروب آفتاب باید با نیت صوم امساک کنید، بنابراین جاهل و ناسی مأمور به روزه گرفتن از طلوع فجر بوده اند ولی آنها از ابتدا امر شارع را ایتیان نکرده اند بلکه مثلاً از ساعت ۱۰ صبح به بعد امر شارع را ایتیان کرده اند، پس در اینجا مآتی به با مأمور به مطابق نیست و اجزاء محقق نشده است فلذا روزه جاهل و ناسی باطل است.

حالا می خواهیم ببینیم که خدشه آقای خوئی بر این دلیل درست است یا نه، ما عرض کردیم که شارع مقدس در خیلی از جاها که روزه از طلوع فجر آغاز نشده ارفاقاً آن را قبول کرده و روزه بحساب آورده و روایات فراوانی هم در این رابطه داریم که در باب دوم و سوم و چهارم از ابواب وجوب الصوم و نیت در اوایل جلد هفتم و سائل ۲۰ جلدی ذکر شده، بعضی از این روایات در روزه قضا می باشد و بعضی دیگر در روزه نذر غیر معین و بعضی در روزه مندوب می باشد که در تمامی اینها با اینکه از ابتدای طلوع فجر نیت نکرده ولی شارع مقدس روزه او را قبول کرده است.

اولین روایتی که برایتان می خوانم صحیحه حلبی است که خبر اول از باب دوم از ابواب وجوب صوم واقع در ص ۴ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی می باشد، خبر این است: «محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي، عن أبي عبدالله (عليه السلام) (فی حدیث) قال: قلت له: إنَّ رجلاً أراد أن يصوم ارتفاع النهار أیصوم؟ قال: نعم.» بعضی از این روایات مطلق هستند که حمل به مستحبی می شود اما بعضی از آنها تصریح در روزه قضا و نذر دارند.

خبر دوم از همین باب صحیحه عبدالرحمن بن حجاج می باشد، خبر این است: «وعن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، و عن محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان جمیعاً، عن ابن أبی عمیر، عن

عامه النهار را باید طوری معنی کنیم که ظهر نگذشته باشد و الا اگر دلالت کند بر این که ظهر گذشته است مورد اعراض اصحاب واقع خواهد شد چون که اخبار دیگری داریم که دلالت دارند بر این که زوال میزان است .

خبر هفتم از این باب معلوم است که بر روزه مستحبی دلالت دارد، خبر این است؛ « و باسناده عن أحمد بن محمد ، عن البرقی، عن ابن ابي عمیر، عن هشام بن سالم، عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: كان امیرالمؤمنین (عليه السلام) يدخل إلى أهله فيقول: عندكم شيء وإلا صمت، فإن كان عندهم شيء أتوه به وإلا صام» .

خبر هشتم باب صحیح هاشم بن سالم می باشد، خبر این است؛ « وعنه، عن علي بن الحكم، عن هشام بن سالم، عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: قلت له: الرجل يصبح ولا ينوي الصوم فاذا تعالی النهار حدث له رأى في الصوم ، فقال: إن هو نوى الصوم قبل أن تزول الشمس حسب له يومه، وإن نواه بعد الزوال حسب له من الوقت الذي نوى» .

خبر دهم باب که خبر مهمی است این می باشد؛ « و باسناده عن علي بن الحسن بن فضال ، عن أحمد بن الحسن ، عن عمرو بن سعيد، عن مصدق بن صدقة ، عن عمار الساباطی ، عن ابي عبدالله (عليه السلام) عن الرجل يكون عليه أيام من شهر رمضان و يريد أن يقضيها متى يريد أن ينوي الصيام؟ قال: هو بالخيار إلى أن تزول الشمس ، فاذا زالت الشمس فان كان نوى الصوم فليصم ، وإن كان نوى الافطار فليفتقر، سئل فان كان نوى الافطار يستقيم أن ينوي الصوم بعد ما زالت الشمس؟ قال : لا الحديث» .

این اخبار دلالت دارند بر این که در قضای رمضان و نذر غیر معین آن شخص تا ظهر وقت دارد که روزه بگیرد و در روزه مستحبی هم تا قبل از غروب وقت دارد که نیت روزه کند و روزه مستحبی بگیرد .

اما در باب سوم در ص ۷ خبری از ابي بصیر نقل شده که حضرت در آن تصریح به صوم مندوب دارند، خبر این است: « محمد بن يعقوب، عن عدّة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن حسين بن عثمان، عن سماعة بن مهران، عن ابي بصير قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن الصائم المتطوع تعرض له الحاجة، قال: هو بالخيار ما بينه وبين العصر، وإن مكث حتى العصر ثم بداله أن يصوم وإن لم يكن نوى ذلك فله أن يصوم ذلك اليوم إن شاء» .

عبدالرحمان بن الحجاج، عن ابي الحسن (عليه السلام) في الرجل يبدو له بعد ما يصبح و يرتفع النهار في صوم ذلك اليوم ليقضيه من شهر رمضان ، و لم يكن نوى ذلك من الليل ، قال: نعم ليصمه وليعتد به إذا لم يكن أحدث شيئاً». این روایت درباره روزه قضا می باشد و تصریح به آن دارد .

خبر سوم از همین باب هم مطلق می باشد که حمل بر استحباب می شود، خبر این است: « وعنه، عن أحمد، عن الحسين يعني ابن سعيد، عن النضر، عن ابن سنان يعني عبدالله، عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: (في حديث) : إن بداله أن يصوم بعد ما ارتفع النهار فليصم، فانه يحسب له من الساعة التي نوى فيها» .

خبر چهارم از همین باب این خبر است؛ وعنه: یعنی شیخ طوسی باسناده، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين، عن فضالة ، عن صالح بن عبدالله: که صالح توثیق نشده و آیت الله خوئی هم به آن اشاره کرده منتهی طبق مبنای ما خبر مورد عمل اصحاب می باشد، عن ابي ابراهيم (عليه السلام) قال: که مراد حضرت موسی بن جعفر (عليه السلام) می باشد، قلت له: رجل جعل لله عليه الصيام شهراً: مردی نذر کرده که یک ماه روزه بگیرد، فيصبح و هو ينوي الصوم: صبح گفت روزه می گیرم، ثم يبدو له فيفطر: بعد پشیمان شد، يفطر در اینجا به معنای خوردن نیست بلکه یعنی از نظرش برگشت که چیزی بخورد ولی نخورد، و يصبح و هو لا ينوي الصوم فيبدوله فيصوم، فقال: هذا كله جائز. در اینجا تصریح دارد که حتی اگر قصد خلاف هم کرده باز درست است که بعداً در عروة هم این مطلب را می خوانیم .

خبر پنجم باب هم در این رابطه می باشد، خبر این است؛ « وعنه، عن احمد بن محمد، عن محمد بن عيسى، عن يوسف بن عقيل، عن محمد بن قيس، عن ابي جعفر (ع) قال: قال علي (ع): إذا لم يفرض الرجل على نفسه صياماً ثم ذكر الصيام قبل أن يطعم طعاماً أو يشرب شراباً ولم يفطر فهو بالخيار إن شاء صام، وإن شاء افطر» . واما خبر ششم از این باب این خبر است: « وعنه، عن علي بن السندي، عن صفوان، عن عبد الرحمن بن حجاج قال: سألت أبا الحسن موسى (ع) عن الرجل يصبح ولم يطعم ولم يشرب ولم ينو صوماً وكان عليه يوم من شهر رمضان ، أله أن يصوم ذلك اليوم وقد ذهب عامة النهار؟ فقال: نعم له أن يصومه ويعتد به من شهر رمضان» .

عرض کردیم که این از باب حکومت می باشد یعنی ادله اولیه می گویند که روزه امساک از طلوع فجر تا غروب می باشد ولی شارع آمده و در آن محکوم تصرف کرده و آن را توسعه داده، در مانحن فیه هم تماماً توسعه می باشد یعنی شارع مقدس آمده و گفته که روزه یعنی امساک از طلوع فجر تا غروب، اما در خیلی از جاها این چنین نیست ولی شارع آن را قبول کرده مثل همین روایاتی که خواندیم پس این ادله بر آن ادله اولیه حکومت دارند .

بنابراین ما جواب آیت الله خوئی را این طور می دهیم و می گوئیم که ما این مورد را مترتب بر بحث اجزاء نمی کنیم چون که خود شما در بحث اجزاء در این موارد بامشکل روبرو شدید، بلکه اینها از یک باب دیگری می باشند و آن اینکه شارع مقدس برای صوم وسعتی قائل شده و گفته است که صوم تنها این نیست که شما از طلوع فجر تا غروب آفتاب بانیت صوم امساک کنید چون در موارد بسیاری که ما مقداری از آنها را خواندیم به این صورت نبوده ولی شارع آنها را قبول کرده است

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد واله الطاهرین

بعد می رسم به باب چهارم، در خیر چهارم از این باب که صحیحه هم می باشد و در ص ۹ قرار دارد به این مطلب اشاره شده است، خبر این است: « محمد بن الحسن باسناده عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن النظر بن سويد، عن جميل بن دراج، عن أبي عبدالله (ع) أنه قال فی الذی یقضی شهر رمضان إنه بالخيار إلى زوال الشمس فإن كان تطوعاً فإنه إلى الليل بالخيار ». آخرین خبری که می خوانیم خبر دهم از باب چهارم می باشد، خبر این است: « و باسناده عن علی بن الحسن الفضال، عن ابراهیم بن ابی بکر بن ابی سماک، عن ذکریا المژمن، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبدالله (ع) قال: الذی یقضی شهر رمضان هو بالخيار فی الإفطار ما بینه وبين أن تزول الشمس، وفي التطوع ما بینه وبين أن تغيب الشمس » .

مقداری از اخبار کثیره ای که در این رابطه وجود داشت را خواندیم که در بین آنها اخبار صحیحه هم زیاد بود. فقیه همدانی در ص ۳۱۱ تا ص ۳۱۴ از مصباح الفقیه به همین اخبار برای مانحن فیه هم استناد کرده است ، ایشان فرموده اند وقتی که در روزه قضا و نذر غیر معین حکم همین طور است که بیان شده در واقع یک کلیاتی را به دست ما می دهند و می گویند که وسعتی از طرف شارع برای شخصی که معذور است و حتی در مثل قضا که معذور هم نیست وجود دارد که می تواند به این صورت که ذکر شد نیت کند، فلذا در مانحن فیه که معذور هستند و جاهل و ناسی هستند به تنقیح مناط و اولویت قطعیه باید صومشان صحیح باشد .

گفتیم که آیت الله خوئی فرمودند که اگر ما آتی به المأمور با ما أمر به الشارع منطبق باشد اجزاء است و صحیح است و إلا صحیح نمی باشد، ما در جواب ایشان عرض می کنیم که درست است که شرعاً صوم آن است که از طلوع فجر تا غروب امساک محقق باشد ولی از طرفی ما موارد فراوانی هم داریم که شارع مقدس با اینکه امساک به این صورت نبوده ولی آن را صوم محسوب کرده ، و این همانطور که خواندیم و مشخص شد تنها منحصر به مسافر و مریض نمی باشد فلذا در اینجاها که خواندیم آقای خوئی با مشکل روبرو می شوند و جوابی ندارند که بدهند چون ایشان می فرمایند که روزه آن است که انسان از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت صوم امساک کند در حالی که موارد بسیاری وجود دارد که به این صورت نیستند ولی شارع آن ها را صوم محسوب کرده است. پس اشکال ما به ایشان این است که شارع مقدس در بسیاری از جاها برای رفاه حال مکلفین وسعت قائل شده، و ما قبلاً